

**طرح سیاسی شناخت معاهده دیورند**  
**آغاز تابش خورشید صلح بر فراز**  
**افغانستان و پاکستان**  
( آلمان - جنوری - 2007 میلادی )

ما با عرض حرمت و احترام ! از دولت آقای حامد کرزی و از پارلمان محترم جمهوری اسلامی افغانستان و از احزاب و سازمان های سیاسی و اجتماعی ، نمایندگان ورهبران روحانیون مہین پرست ، شخصیت های مستقل سیاسی و فرهنگی و کارمندان مطبوعات و رسانه های گروهی و تمام رهروان راه حق و عدالت اجتماعی ، احترامانه آرزو می بریم که به ندایی صلح و آشتی میان مردم محترم پاکستان و ملیت های ساکن افغانستان گوش خواهند داد و آنرا گرامی خواهند داشت ، و در راه تحقق این آرمان مقدس تلاش سیاسی ، وجدانی و اخلاقی خواهند نمود .

این طرح سیاسی که نمودی از خواست صلحخواهانه و برحق مردم ما و مردم پاکستان ، درمورد شناسایی « خط دیورند » میباشد .

شهروندان آزاد اندیش افغانستان با شفاف اندیشی ، حُسن نیت و دگر دوستی ، در روشنایی چراغ مکارم اخلاقی و در توافق عقل و خرد انسانی برای خود و برای همسایگان و همراه با همسایگان به منطقه و جهان ، صلح میخوانند ، آرامی و خوشبختی آرزو میبرند .

یکی از مسایل تاریخی و سیاسی مهمی که زیاده از نیم قرن اخیر زمینه های تشنج منطقه و اساس تیرگی مناسبات پاکستان و افغانستان را فراهم ساخته ، و بیکی از گرہگاہهای پیچیده وحاد بین المللی مبدل گردیده است همانا عدم شناسایی صادقانه معاهده خط دیورند بمثابة مرز مشترک بین المللی میان افغانستان و پاکستان از طرف حاکمان خود محور ناعاقبت اندیش افغانستان می باشد.

اندیشه راهرفت به سوی فضای آشتی و تأمین مؤلفه های زیرساخت صلح دایمی میان کشور پاکستان و افغانستان تنها بر حل قضیه « خط دیورند » و به شناسایی این مرز بستگی دارد و بس.

ما امید داریم که دست اندر کاران ورهبران سیاسی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منافع کل کشور اندیشه نمایند ، دگر با موانع خود ساختی همچو خاندان « آل یحاحان » با شعار های انتزاعی به اصطلاح « داعیه پشتونستان » خود و مردم را فریب ندهند ، آفتاب را بادست پنهان ننمایند و به اراده کل مردمان سرزمین ما احترام وارج بگذارند، صادقانه تمام اسناد و مدارک محرم مربوط به معاهدات منعقدہ میان حکومت افغانستانی و هند برتانوی مبنی بر

شناسایی خط دیورند را از دهه اول قرن نوزدهم تا دهه اخیر نیمه اول قرن بیستم ، از بند و مخفی گاه ها بکشند و جهت آگاهی دقیق و قضاوت عینی مردم از مفاد مقوله های مذکور، آنرا در روزنامه ها و رسانه های جمعی کشور و جهان بدست نشر سپارند.

و در راه واقعی اصول شناسایی خط دیورند بدون هراس و تزلزل به نفع مردمان هردو کشور برادر و برابر گام عملی و استوار بگذارند ، یکبار و برای همیشه گلیم این ماتم نیم قرنه را از بین دو کشور بردارند .

در سوم جنوری 2007 میلادی طرح پیشنهادی پاکستان برای کنترل نفوذ ستیزه جویان به داخل افغانستان از راه کشیدن موانع سیم خاردار و مین گذاری مرز مشترک دو کشور، گزینه های سیاسی ای بود که به عکس العمل شدید مقامات بلند پایه جمهوری اسلامی افغانستان مواجه گردید.

ظاهراً مناطقی که پاکستان عجالاً در نظر دارد تا سیم کشی و مین گذاری نماید از قندهار آغاز و مرزهای شش و یا هفت اجنسی : قبیله ای باجور، مهمند، خیبر، اورکزی ، گرم، وزیرستان جنوبی، وزیرستان شمالی و شش ناحیه کوچک قبیله نشین همجوار با آنها وهم مرز با افغانستان را تا ولایت کنر شامل میشود .

در فردای آنروز آقای حامد کرزی (1) آشفته و خشمناک طی کنفرانس مطبوعاتی ضمن ابراز مخالفت شدید ادعا نمود که ، حصارکشی مرز با عث جدایی اقوام و مانع تجارت میشود. و تعجب آور آنکه رئیس جمهور افغانستان یکی از دلایل مخالفت با حصارکشی مرزی را موضوع تجارت مردم دوسوی مرز عنوان نموده است. تنها تجارتی که در سراسر خط دیورند(به استثنای گمرکهای اسپین بولدک و خیبر) جریان دارد قاچاق کالا، قاچاق "چوب چهارتراش" و قاچاق " مواد مخدر" و "سنگهای قیمتی" است.

بهر حال، ممکن است احساسات مفرط قومی رئیس جمهور حامد کرزی و تیم کاری قوم گرای وی ایجاب نماید تا اعلان نمایند که حق دارند مانع حصارکشی مرز شوند؟

اما دردا ! که حق حرمت ، حق اقتصاد، حق امنیت و حق زیست مردم مسکین بی وسیله و بی دفاع میهن ما که نعش های بیجان شان بر سرکهای قندهار و هرات و کابل فرش می شوند و بازماندگان ، یتیمان و بیوگان شان به صف گرسنگان و گدایان می پیوندند ایجاب می نماید ؟ که تا آن مرز مشترک ؟ نه سیم کشی و نه حصار کشی و نه بسته شود ! بل آن مرز مشترک بین المللی میان پاکستان و افغانستان با شفاف اندیشی ، حُسن نیت و احساس برادرانه میان خلق های دوکشور و ایجاد اعتماد و ثبات و امنیت ، مطابق اسناد دست داشته تاریخی معاهده دیورند و سایر معاهدات پسندیده تاریخی بعد از آن ، با کمال فضیلت و صداقت بدون طفره رفتن و وقت گذرانی از طرف دولت جمهوری اسلامی افغانستان و مقامات محترم ذی ربط ، برسمیت شناخته شود.

و بدینوسیله مردمان صلح خواه افغانستان و پاکستان برای همیشه از شر و بلای این خشونت ریشه دار و جنگ فرسایشی رهایی یابند و در شرایط صلح و همبستگی متعادل حقوقی و حسن همجواری و همسایه گی نیک در فضای امن و آرامش زندگی شرافتمندانه خویش را مانند دیگر خلقهای جهان سپری نمایند.

خط دیورند یگانه سرحد بین المللی افغانستان است که در نتیجه معاهدات دوجانبه بین افغانستان و هند برتانوی بوجود آمده ، در حالیکه این یگانه سرحدی است حاکمان قبیله گرای افغانستان با بیخ ایل و ناعاقبت اندیشانه به اصطلاح آنرا قبول ندارند .

استمرار شرایط خصومت آمیز بین افغانستان و پاکستان بنفع هیچ کدام نیست ، روابط سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی میان دو کشور زمانی میتواند جاودانه گردد که جمهوری اسلامی افغانستان بدون ریاء و فریب و چانه زنی مقطعی ، با صداقت و پاکیزگی اندیشه ، متعهد به شناسایی معاهده خط دیورند گردد .

این است برخورد خالص و صاف به حل مناقشات و منازعات میان افغانستان و پاکستان ، این است راه انسانیت و ایجاد پل دوستی و تجارتی میان دو کشور هم دین و هم آئین و هم فرهنگ . اینست راه حل خشونت منطقه یی ، اینست مبارزه عقلانی و ریشه ای علیه تروریسم و محو لانه های دهشت افکنی ، اینست اسلوب مبارزه حقیقی بر ضد مافیای مواد مخدر ، مافیای فروش سلاح ، اینست شناخت استقلال و حاکمیت سیاسی و ارضی کشور همسایه ما پاکستان و سرانجام اینست گام صلح آمیز و انسانی بنفع مردمان دو کشور مستقل و باهم برادر و برابر .

اینک جهت ثبوت ارزش سیاسی و اخلاقی این طرح سیاسی « شناسایی خط دیورند » ، با استفاده از اسناد و مدارک تاریخی ، گونه های اهداف و مفاهیم این راهبرد را در ذیل به تأمل می گیریم .

### عوامل تاریخی ایکه معاهده دیورند را حتمی ساخت

زمانیکه تیمورشاه پسر احمدشاه درانی پادشاه خراسان در 19 می 1793 م . بسن 46 سالگی در کابل وفات نمود ، تعداد اولاد های او که در موقع مرگش در قید حیات بوده اند به هفتاد دختر و پسر می رسیده است . از اینرو مناقشه و جنگ و خشونت دامنه داریکه میان :

برادران سدوزایی ، و بعداً بین خانواده های سدوزایی و محمد زایی ، و پسران پاینده محمد خان محمدزایی از سالهای ( 1793 شروع تا 1836 م . ) ، بر سر جانشینی سلطنت و قدرت ادامه یافت ، سرانجام مساحت وسیع کشور پهناور ما خراسان که تا زمان تیمورشاه پسر احمدشاه درانی وجود داشت منقرض ساخته شد و به افغانستان محدود امروزی مبدل گردید .

زمان شاه که بعد از مرگ پدرش تیمورشاه ، بکمک خانواده روحانی مجددی ، تاج و تخت را بدست آورد ، در جریان حکمروایی اش صرف جنگ ، آدم کشی ، سزای چشم کشیدن ، سربریدن ، شکم پاره کردن کدام دست‌آورد اخلاقی و سیاسی اقتصادی و فرهنگی ای به مردم میهن ما نداشت .

اوبراثرلشکر کشی بی مورد و بی ارزش خویش ، مانند پدر بزرگش احمد خان درانی گویا به خاک هندوستان سرانجام درپنجاب با مقاومت های جدی سیکها برهبری رنجیت سنگ مواجه گردید و آخرین پایگاه دولت درانی خراسانی درپنجاب از دست آن خارج شد و به سیکها تعلق گرفت . (2)

رنجیت سنگ با استفاده از این شانس و آگاهی از اغتشاشات وضع داخلی خراسان (به اصطلاح امروز افغانستان) ، در سال 1812 م. قلعه نظامی افغانی را دراتک ، در 1818 م. ولایات ملتان تولد گاه احمد خان درانی ، در 1819 م ولایت کشمیر ، در 1821 میلادی دیره غازی خان و دیره اسمعیل خان (3) ، از دست نیروهای افغان خراسانی گرفت .

همچنان تسلیم دهی بدون قید و شرط ولایت پشاور به رنجیت سنگ حکمران مقتدر پنجاب بوسیله سلطان محمد خان طلائی جد اعلی ظاهرشاه وداود خان ، والی آن ولایت در سال 1832 م . عمل ناجایز و خودمنشانه ای دیگری بود که از آن تاریخ به بعد ، پشاور عملاً درکف سیکها قرار گرفت و تصرف والحاق مجدد آن با دادن ده ها هزار قربانی به خراسان (افغانستان) هیچ وقت میسر نگردید.

### **معاهده مثلث لاهور :**

توافقات سه جانبه میان شاه شجاع نواسه احمدشاه درانی ، مکناتن نماینده حاکم انگلیس هند ورنجیت سنگ پادشاه پنجاب در 26 جون 1838 م . که در هیجده ماده تنظیم یافته بود به امضا رسید.

در اولین و آخرین ماده های عهد نامه مثلث لاهور آمده بود: " ماده اول : تمام نقاط و علاقه جات که در دو طرف رود سند واقع و جزء علاقه کشمیر تا حدود شرقی و غربی و شمال و جنوبی اتک و توابع پشاور و یوسفزایی و کوهات و سایر توابع پشاور تاحد خیبر و وزیر و تانک و کرانک و کاله باغ و دیره اسماعیل و توابع آن و علاقه جات ولایت ملتان و تمام ملحقات آن را خانواده سدوزایی به ملکیت و حاکمیت « رنجیت سنک پاد شاه سیکها » تصدیق کرده و خانواده سدوزایی نسل بعد نسل و بطناً بعد بطن هیچگونه ادعایی به نقاط مذکور و ممالک موصوفه نخواهد داشت و ممالک مذکور متعلق به « رنجیت سنک » و خانواده اونسلاً بعد نسل و بطناً بعد بطن خواهد بود.

ماده هیجدهم : شاه شجاع و سایر خانواده سدوزایی بدون اجازه و تصویب کمپانی انگلیس و مهاراجه رنجیت سنک ، معامله و سرو کاری با احدی از پادشاهان غیر نخواهد داشت و هرگاه پادشاه خارجی عزم لشکر کشی از راه خراسان

(افغانستان) به خاک کمپانی انگلیسی یا مهاراجه بنماید شاه شجاع متعهد می شود با قوای خود از آن جلوگیری کند." (4)

### معاهده جمروود :

امیر دوست محمد خان مانند سلف اش بخاطر دست یابی به قدرت و حاکمیت و ناآگاهی از نیروی مقاوم مردمی - مردم خراسان (افغانستان) ، مرتکب اشتباه عظیم تاریخی شده بود. او در اوج جنگ و مقاومت آزادیخواهان و وطنپرست علیه انگلیس ، که ظاهراً رهبری و قیادت این مقاومت را در شمالی ( پروان و کاپیسا ) در پهلوی مسجدی خان کوهستانی و یارانش بدوش داشت ، ناگهان در سوم نوامبر 1840 م. از صفوف همین مبارزان [ راه استقلال و آزادی خراسان ] جدا شد . پنهانی سر راست به کابل رفت و شمشیر خود را به مکناتن نماینده انگلیس تسلیم نموده بود .

در دوره دوم پادشاهی اش " اونیز گذاشت که انگلیسها تا 1845 م. ولایات سند و بلوچستان را اشغال نماید و هم بعد از امحای حکومت سیکها و عقب کشی امیر دوست محمد خان از کجرات و اتک در سال 1849 م. خودش را وارث و جانشین سیکها در ولایات مغصوبه از خراسان (افغانستان) ( اعلام نماید " (5)

معاهده جمروود میان سردار غلام حیدر خان و لبعهد دوست محمد خان و « سر جان لارنس » گورنر ژنرال پنجاب در 30 مارچ 1855 م . در جمروود به امضا رسید، یعنی استقلال خراسان (افغانستان) غالب با ولایات سواحل راست سند و بلوچستان رسماً به انگلیسها تسلیم گردید. تاریخ دان شهیر غلام محمد غبار معاهده سه فقره ای جمروود را نخستین عهد نامه دولت محمد زایی می خواند که به دیکته انگلیس ها توسط نماینده امیر دوست محمد خان بدون چون و چرا و حتاً بدون تصحیح یک کلمه آن امضاء گردید. در معاهده آمده بود :

" ماده اول : مابین آنریبل ایست اندیا کمپانی و جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و آن ممالک خراسان (افغانستان) که در قبضه او میباشد، و ورثای امیر مذکور صلح و دوستی دوامی خواهد بود.

ماده دوم : آنریبل ایست کمپانی معاهده مینماید که احترام آن علاقه جات خراسان (افغانستان) را که حالا در تصرف امیر مذکور میباشد، بکنند و ابداً در آنها مداخله ننمایند.

ماده سوم : جناب امیر دوست محمد خان والی کابل و آن علاقه جات خراسان ( افغانستان ) که حالا در قبضه او میباشد، عهد مینماید از طرف خود و از طرف ورثای خود علاقه جات آنریبل ایست کمپانی را احترام نماید و ابداً در آنها مداخله ننمایند، و با دوستان آنریبل ایست اندیا کمپانی دوست باشند و با دشمنان کمپانی مذکور دشمن باشند." (6)

## معاهده گندمک :

این عهد نامه در گندمگ بتاريخ 26 می 1879 م . میان امیر محمد یعقوب خان نواسه امیر دوست محمد خان و « سرلویس کیوناری » نماینده سیاسی انگلیس طی ده ماده به امضا رسید.

بدین طریق امیر محمد یعقوب خان علاقه کرم تا ابتدای جاجی ، دره خیبر تا کناره شرقی هفت چاه ، لندی کوتل و سببی و پیشین را تا کوه کوژک و استقلال خراسان ( افغانستان ) را یکجا به هند برتانوی تسلیم دادند. به استقبال موفقیت این معاهده « لیتن » گورنر ژنرال هند در هند برتانوی و کابینه « دیزرایلی » در لندن از شادی این فتح عظیم و سهل الحصول که شاهرگهای حیاتی سوق الجیشی خراسان ( افغانستان ) را ( بولان ، پیوار و خیبر ) در دسترس انگلیس گذاشته بود ، جشن گرفتند . (7)

## معاهده دیورند

هیأت انگلیسی بتاريخ 12 اکتوبر 1893 م. برهبری مارتیمردیورند با شش نفر (کلنل الیس ، دکتر فن ، لفتننت سمت ، لفتننت مکمهان ، مستر داندل و مستر کلارک ) همراه با 463 حیوان باربر و 324 نفر عمله براه خیبر به کابل مواصلت کردند و از طرف حکومت امیر عبدالرحمان خان با بیست و یک آتش توپ استقبال گردیدند. مدت اقامت این هیأت در کابل متجاوز از 40 روز طول کشید و مذاکرات ظاهراً در فضای دوستانه ... پیش می رفت . در مرحله نخست طرف انگلیسی مسئله سرحد خراسان ( افغانستان ) و روسیه را پیش کشید و اظهار داشت که چون دو دولت روس و انگلیس قبلاً به موافقه رسیده اند که رودخانه پنج (یا آموی علیا ) در این قسمت سرحد خراسان ( افغانستان ) شناخته شود ، امیر عبدالرحمان باید مناطقی را که در شمال رودخانه مذکور به زیر تصرف خود کشیده است ، تخلیه کند. ... امیر موافقت کرد که سرزمین های روشن و شغنان ماورای آمو را ترک بگوید و بشرط آنکه روسها و متحدینشان بمنطق واقع در جنوب رودخانه مداخله نکنند. دیورند این شرط را پذیرفت و موضوع توسط موافقتنامه مورخ 12 نوامبر 1893 م. تسجیل یافت. ... سپس هیأت انگلیسی موضوع تعیین سرحد بین خراسان ( افغانستان ) و متصرفات آن کشور را در هند که موضوع اصلی مسافرت آن به کابل بود مطرح ساخت. نتیجه مذاکرات در این باره انعقاد معاهد مورخ 12 نوامبر 1893 در مورد سرحد شرقی و جنوبی خراسان ( افغانستان ) از واکان تا سرحد ایران بود که بنام خط دیورند شهرت یافت و فاصله 2430 کیلومتر مرز مشترک میان کشور افغانستان و پاکستان امروزی را تشکیل میدهد .

بموجب این معاهده ، امیر عبدالرحمان از ادعای افغانستان بر مناطق مثل : صوات ، باجور ، چترال ، وزیرستان و چمن صرف نظر کرد . ... طرفین موافقت نمودند تا حد بخشی در خود محل توسط هیأت مختلط صورت گیرد.

سرانجام طبق معاهده دیورند ، گویا امیر عبدالرحمان خان قطعات وسیعی از خاک خراسان ( افغانستان ) را به برتانیه واگذار شد . معذالک نمی توان گفت که این اراضی به واقع از پیکر افغانستان جدا شده باشد ، زیرا طوریکه قبلاً دیدیم اکثر مناطق مذکور در آن تاریخ وحتا قبل از آن در زیراداره حکومت افغانستان نبود وباشندگان آن نه تنها بدولت افغانستان مالیه ومحصول نمی پرداختند ، بلکه مصارف و اداره امنیت شان بایستی از جانب سایر مردم کشور فراهم می شد . عمال انگلیس سعی داشتند تا با استفاده از معلوم نبودن خط سرحد... در این منطقه بی صاحب ( No man's land ) هرچه عمیق تر نفوذ نمایند . در برابر این همه گذشت ها از طرف حکومت عبدالرحمان خان ، حکومت انگلیس فقط حاضر شد تا اعانت مالی آن دولت به امیر از 1200000 یک میلیون دوصد هزار کلدار به 1800000 یک میلیون و هشت صد هزار کلدار ، افزایش بدهد و طرفین در خاتمه مذاکرات در یک « دربار » عمومی اتحاد شان را اعلان کردند . (8)

امیر عبدالرحمان خان مانند اجداد خود یکبار در سال 1880 م . ب غرض استقرار تاج وتخت شخصی خود از استقلال و خاکهای خراسان (افغانستان) در برابر انگلیس گذشت ودر سال 1893م. این گناه و عمل شرم آورنا بخشودنی را بار دیگر تکرار کرد.

## مشروعیت معاهده دیورند

### اول - معاهده لونی دین - حبیب الله :

اسناد تاریخی حاکی از آنست که در اواخر عمر امیر عبدالرحمان خان ، « لارد کرزن » ویسرای جدید التقرردولت هند برتانوی عقیده داشت که دولت هند برتانوی در برابر افغانستان از قدرت خود بقدر کافی استفاده نکرده است . در انعکاس این اندیشه شعبه اطلاعات حکومت هند فهرستی مرکب از شش فقره از مطالبات انگلیس تهیه نموده که باید بر افغانستان تحمیل می گردید ودر فقره 1 ، 2 ، 3 ، آن چنین آمده است :

1 - تجدید نظربریخت دیورند از نقطه نظر سوق الجیشی حکومت هند

2 - مراقبت بر ورود اسلحه به افغانستان و استعمال آن ،

3- خوداری افغانستان از کمک به قبایل واقع در سمت انگلیسی خط دیورند در گفتار و عمل .

پیش از آنکه این پلان در محل اجرا گذاشته شود امیر عبدالرحمان فوت نمود وفرزندش امیر حبیب الله خان صاحب تاج وتخت شد. ویسرا در تعزیت نامه ای که به امیر جدید فرستاد به ضرورت اعزام یک هئت از هند به

افغانستان برای بازنگری موافقات در مورد سرحد طرفین و تفاهات قبلی اشاره نمود. مگرامیر از چنین مذاکره مزید طفره رفته در عوض به ویسرای هند برتانوی اطمینان داد که تاوقتی که دولت برتانیه به تعهداتی که در برابر پدر او داشت وفا نماید او هم احکام آن را محترم خواهد شمرد. (9)

درسالهای بعد «لارد کرزن» مکرراً به این موضوع رجوع نموده، از امیر حبیب الله دعوت بعمل آورد که به هند برتانوی سفر کند. امیر به سفر هندوستان علاقه مند نبود.

مگر دولت هند برتانوی بخاطر آنکه امیر را وادار به سفر نماید، از فرستادن مبلغ سالانه 1800000 روپیه و اجازه ترانزیت اسلحه نظامی به افغانستان از طریق قلمرو هندوستان - که هردوی آن در معاهده دیورند درج شده بود - ابا ورزید.

گرچه در این مرحله امیر حبیب الله به هندوستان سفر نکرد، ولی توافق نمود تا وزیر دولت در امور خارجه بریتانیا برای هندوستان، آقای «لوی دین» را بمنظور مذاکره در مورد مسائل مورد علاقه در کابل بپذیرد. آقای لوی دین در حالیکه یک مسوده موافقتنامه جدیدی را با خود داشت در اواخر سال 1904م. وارد کابل گردید. امیر حبیب الله مسوده از خود پیشکش نمود که محتویات آن بجز از تأیید و تمدید موافقات قبلی با بریتانیا چیز دیگری را در بر نمیگرفت. معاهده مذکور بعد از مذاکرات جانبین بتاريخ 21 مارچ 1905 میلادی متقابلاً به امضا رسید و دولت هند برتانوی ارسال مبلغ سالانه 1800000 روپیه - بشمول قروض قبلی - را از سرگرفته و اجازه داد تا افغانستان در صورتی که بخواهد از طریق خاک هندوستان اسلحه نظامی وارد نماید. در معاهده مذکور که غالباً بطور مختصر بنام موافقتنامه «دین - حبیب الله» یاد میشود، متن تعهدات امیر حبیب الله قرار ذیل است:

امیر حبیب الله بدینوسیله توافق مینماید که در امور مهم اساسی و فرعی مندرج معاهده «خط دیورند» در ارتباط به امور داخلی و خارجی وسایر تفاهاتی که اعلیحضرت (امیر عبدالرحمان خان) پدر مرحوم من با حکومت اعلی بریتانیا منعقد نموده و مطابق به آن عمل کرد، من هم مطابق به همان موافقتنامه و معاهده خط دیورند عمل نموده ام، عمل مینمایم و عمل خواهم کرد، و من در هیچ معامله و پیمانی آنها را نقض نمی نمایم. (10)

لهذا بعد از انقضای معاهده دیورند با وفات امیر عبدالرحمن، اعتبار آن در سال 1905م. دوباره با شخص امیر حبیب الله تمدید گردید که تا وفات وی و آغاز جنگ سوم (خراسانیان - افغانها) و انگلیس در سال 1919 م. دوام نمود.

## دوم معاهده راولپندی :

بعد از جنگ سوم افغانستان و انگلیس بتاريخ 26 جولای، هیأت افغانی خراسانی بریاست علی احمد خان ناظر امور داخله و هیأت انگلیسی بریاست سرهملتن گرانت، سکرتر امور خارجه در راولپندی به مذاکرات شروع کرده در آخر



به امضای " معاهده صلح فی مابین دولت جلیله برتانيا و دولت مستقل افغانستان " مورخ 8 اگست 1919 میلادی منجر گردید. معاهده صلح مطالب عهد نامه مذکور از اینقرار بود:

- 1 - برقراری مجدد صلح بین دو کشور.
  - 2 - منع توريد اسلحه به افغانستان از طریق هند.
  - 3 - قطع شدن امداد پولی هند به افغانستان .
  - 4 - تصدیق مجدد خط دیورند از جانب افغانستان و تعیین خط سرحد در حصه تورخم به میل انگلیس . (11)
- اما تا جائیکه به مشرو عیت خط دیورند ارتباط میگیرد، ماده پنجم معاهده صلح قرار ذیل مینگارد:
- دولت افغانستان سرحد هند و افغان را همانطوری که توسط امیر مرحوم [حبیب الله] پذیرفته شده بود، قبول مینماید.
- فلذا برای اولین بار موقف قانونی خط دیورند منحصیث سرحد بین المللی افغانستان و هند برتانوی از محدودیت مصادفت میعاد آن با طول حکمروایی هر امیر فارغ شده و مشرو عیت آن توسط حکومت دو مملکت مستقل افغانستان و بریتانیا بطور دائمی تائید گردید.

### **سوم معاهد صلح کابل :**

دومین معاهده میان دولت امان الله خان و انگلیس ها در 22 نوامبر 1921 م. توسط محمود طرزی وزیر خارجه افغانستان و آقای هینری دابس نماینده فوق العاده بریتانیا ، در کابل به امضاء رسید.

معاهده سال 1921م. منعقد کابل متشکل از 14 ماده بود ، معاهده سال 1919 م. منعقد راولپندی را منسوخ نمود، ولی خود آن خط دیورند را منحصیث سرحد بین المللی افغانستان یکبار دیگر برسمیت شناخت. ماده دوم معاهده مذکور در مورد قرار ذیل است :

جانبین سرحد هند - و افغان (خراسان ) را، همانطوریکه توسط دولت افغانستان تحت ماده پنجم معاهده 8 اگست 1919 م. منعقد راولپندی پذیرفته شده بود، متقابلاً قبول دارند. (12)

### **چهارم تصدیق نامه ( 1930م.) نادرخان :**

پس از سقوط سلطنت امان الله خان و 9 ماه پادشاهی حبیب الله خان کلکانی که بیشتر در جنگ بامحمد نادرخان و برادرانش سپری گردید، محمد نادر خان به تخت سلطنت جلوس کرد.

در زمینه سیاست خارجی روش محمد نادر خان از نظر شکل با روش امان الله خان نزدیک ، اما از نگاه محتوا در قطب مخالف واقع بود . وی با تمام کشور های همسایه و دول بزرگ آن زمان دوباره مناسبات سیاسی قایم کرد ، اما در بین آنان برای انگلیستان مقام خاص قایل شد و بدون آنکه رسماً یا اسماً از استقلال کشور صرف نظر کرده باشد در عمل خود را به مشوره با دولت مذکور پایبند ساخت و از تعقیب سیاست مخالف آن در سرحد خود داری نمود. او برادر خود

سردار شاولی را به حیث وزیر مختار و نماینده خاص به لندن فرستاد. پس از ورود به لندن از طریق تبادلۀ یاد داشت دیپلوماتیک با "آرتور هیندرسن" وزیر خارجه بریتانیا در 6 جولای 1930 م. معاهده صلح کابل سال 1921 م. را مورد تأیید قرار داد. در ماده دوم این یادداشت گفته می شود:

"در پاسخ [به یادداشت شما] من نیز افتخار دارم تا رسماً ثبت نمایم که درک ما نیز همین است که این دو معاهده [معاهده 1921 و معاهده تجارتي جون 1923] دارای اعتبار تام بوده و کاملاً مرعی الاجرا میباشد" (13)

محمد نادرخان طی سالهای کوتاه سلطنت خویش (1929-1933) بیشتر از دوران وزارتش در سلطنت امان الله خان به سیاست اغماض و سکوت در مورد موضوع دیورند و تأیید معاهده 1921 کابل پابندی داشت. زیرا او مرهون کمک و حمایت انگلیس در تصاحب سلطنت بود. یکی از مهم ترین حمایت انگلیس ها این بود که به وی اجازه دادند تا از مردم آنسوی دیورند برای تصاحب سلطنت سرباز گیری کند. ضمن آنکه زمینه سفر و عزیمت او را به داخل خراسان (افغانستان) بمنظور کسب اقتدار و سرنگونی سلطنت حبیب الله کلکانی از طریق قلمرو هند برتانوی آماده کردند. محمدنادر شاه پس از تصاحب سلطنت از کمک های مستقیم نظامی و مالی انگلیس ها برخوردار شد. انگلیس ها از سیاست و عملکرد محمد نادر خان در مورد آنسوی دیورند راضی و خشنود بودند.

به قول پروفیسور لودیک آدمک از محققین افغانستان شناس امریکایی: "سیاست مداران برتانوی در اروپا و هند زمانی رضائیت خاطر خود را، از طرز العمل و ذهنیت زمام داران جدید افغانستان (محمد نادر خان و برادرانش) ابراز داشتند و گفتند از همکاری رفیقانه و دوستانه ای که ما از حکومت افغانستان در پیش آمد با معضله قبایل در سرحدات مشترک مان دیده ایم راضی و قانع هستیم." (14)

### **برخورد ایلی خاندان آل یحیا با معاهده دیورند :**

حکومت محمد هاشم خان 1930 - میلادی 1946 با پیروی از سیاست ، اغماض و سکوت برادرش نادر شاه در مدت هفده سال حکمروایی اش آگاهانه جهت حفظ قدرت خاندان آل یحیا ، از طرح جدی موضوع دیورند با انگلیس ها که در حال از دست دادن سلطه خود به نیم قاره بودند ، خود داری کرد.

با تغییر اوضاع سیاسی اروپا بعد از جنگ دوم جهانی و فشار روز افزون جنبش های آزادی خواهی در نیم قاره هند علیه سیاست استعماری انگلیس ، همه سبب گردید که کشور بریتانیا به خواست برحق آزادی خواهان نیم قاره هند سر تعظیم فرود آورد. بدین اساس در اوایل جون 1947 صدراعظم انگلیس آقای کنت اتلی ، پیشنهاد تجزیه نیم قاره هند را بدو کشور مستقل هند و پاکستان به پارلمان انگلیس ارائه نمود. " بعد لارد لوی مونت بیتن ، طرح تقسیم نیم

قاره هند را در 15 اگست 1947 به دو کشور اعلان نمود، [به مردم سرحد گفته شد که الحاق خود را به هند و یا پاکستان اعلان نمایند. الحاق با هند غیرممکن بود. در نتیجه مردمان مسلمان سرحد به کشور مسلمان پاکستان مدغم شدند.] ، [ در این وقت ] حکومت افغانستان حیثیت تماشا بین را حفظ نمود. " (15)

حتا زمام داران افغانستان با دوحزب مقتدر کانگریس و مسلم لیک که مصروف فعالیت آزادیخواهانه در جهت استقلال شبه قاره هند از سلطه استعمار بریتانیا بودند به هیچ تماس و مذاکره ای بر سر موضوع دیورند و سرنوشت پشتونها نپرداختند.

اما پس از تقسیم نیم قاره هند در 1947 بدو کشور مستقل هندوستان و پاکستان که مصادف به زمان صدارت شاه محمود خان بود ، دولت وقت افغانستان با درک نادرست ذهنی و ایلی و قبیله ای بی که از اوضاع و احوال سیاسی جهان و منطقه داشت ، به عوض اینکه حاکمیت سیاسی و ارضی کشور نو تشکیل پاکستان مستقل را به رسمیت بشناسد و خط دیورند را به صفت مرز مشترک بین المللی میان افغانستان و پاکستان اعلان نماید ؟ خلاف اراده و آرزوی صلح خواهانه خلق های دو کشور ، تحت احساسات برخی حلقات قبیله گرا ، به ناحق « داعیه پشتونستان » را مطرح نمودند. و همین بذر تخم بد بینی و تنفروبی اعتمادی میان دوکشور ، با دستان سیاه حاکمان وابسته خاندان آل یحیا ( اولاده سلطان محمد خان طلایی محمد زایی) بود که تا امروز بدبینی و دشمنی های سیاسی بین پاکستان و افغانستان را دامن زد ، و مانع پایداری ثبات سیاسی و اقتصادی در منطقه و کشور ما گردید .

گرچه به گفته سید قاسم رشتیا تاریخدان و وکیل ریاست مستقل مطبوعات وقت : " ... در سال 1947 موضوع سرحدی میان هند برتانوی و افغانستان زیر بحث بود . حکومت افغانستان بسویه عالی مجالسی ترتیب داده و موضوع را زیر بحث گرفت. بالاخره - فیصله شد که چون وقت زیادی گذشته ، افغانستان نباید ادعای ارضی نماید ، سیاست دنیا هم اجازه نمی دهد که تمام معاهدات سرحدی تجدید شود، زیرا در آن صورت نقشه دنیا تغییر می خورد . افغانستان تصمیم گرفت ، برای ساکنان آنطرف سرحد [ صرف ] «حق خود ارادیت» بخواهد " (16).

اما خلاف خواست مردم افغانستان ، خاندان آل یحیا مبنی بر عدم شناخت معاهده خط دیورند و نقض معاهدات تأییدی 1905 ، 1919 ، 1921 و 1930 ، که همه دال بر شناسایی برحق معاهده خط دیورند داشتند ، مگر برخلاف بوسیله طرح سیاسی « داعیه پشتونستان » مرتکب اقدامات ضد ملی گردیدند :

1 - بیانیه تحریک آمیز شاه محمود خان صدراعظم وقت علیه پاکستان در مارچ 1949 در شهر جلال آباد .

2 - اجلاس جرگه بزرگ جلال آباد در ماه مارچ 1949 تصمیم گیری آن ... گویا ؟ برای حق تعیین سر نوشت افغانهای ماورای دیورند تا سند .

3 - بتعقیب آن ، جولای 1949 [ به اصطلاح ] « شورای ملی افغانستان » که تعدادی از اعضای حزب ویش زلمیان در انتخابات دوره هفتم به شورای ملی راه یافته بودند با دیگر روشنفکران شامل در شورا که برای آزادی قبایل پشتون سخت پافشاری می‌کردند، فیصله ای صادر کرد و معاهده خط دیورند را ملغی قلمداد نمود.

4 - متعاقباً شورای ملی ، روزی را بنام « روز پشتونستان» بتاریخ 9 سنبله 1331 به تصویب رسانید و قرار بر آن شد تا هر سال از این روز تجلیل به عمل آید. (17)

5 - تشکیل جرگه بزرگ داود خان صدر اعظم جدید در سال 1955 در کابل و پیشنهاد های حکومت را در قبال تحقق « داعیه پشتونستان » و حق بدست آوردن مهمات حربی و سلاح از هر کشوری که میسر شود تصویب نمود. حکومت وابسته بغیر خاندان آل یحیا و بویژه صدراعظم شاه محمودخان وداود خان که هر دو با پیش کشیدن « داعیه پشتونستان » قضیه را در سر خط سیاست حکومت خود قرار دادند ، قسمیکه سیاست داخلی و خارجی افغانستان برای حل همین مسأله وقف شده بود و هرگونه ایراد یا اعتراض نسبت به آن گناه کبیره و حرکت ضد ملی محسوب می‌شد.

داعیه پشتونستان نزد شاه محمود و داود بخاطر دو هدف از الویت سیاسی خاص برخوردار بود:

یکی اینکه خاندان آل یحیا به نسبت اعمال سیاست ترور و اختناق و پیوند مخفی و آشکاریکه با انگلیسها داشتند ، تنفر و انزجار مردم را کمایی کرده بودند و جای پای میان مردم افغانستان نداشتند و بدین اساس از شرایط تشنج و حاد سیاسی و اقتصادی جامعه پیوسته سود می بردند .

دو اینکه ، آنها میخواستند بزرگترین میراث عقدۀ حقارت تاریخی خویش را ( که ناشی از اشتباهات پدر بزرگ شان ، سردار سلطان محمد خان طلایی در سال 1832 که حاکم پشاور بود و برائزدشمنی ایکه میان او و برادرش امیر دوست محمد خان رخ داده بود ، از ترس برادر بزرگش و حفظ قدرت خویش در آن وقت خود وپشاور را یکسره به حاکمیت سیکها تحفه داده بود ) ، جبران نمایند .

واقعاً پیشبرد سیاست ناعاقبت اندیشانه این خاندان و تعقیب سیاست های جنگ ، خون و خشونت ، جز تیره شدن مناسبات همسایگی و بد بینی و بی اعتمادی چیز دیگری را به خلقهای دوطرف خط دیورند به ارمغان نه آورد.

در اتکا به اسناد تاریخی دست داشته میتوان گفت که تقریباً تمام مرزهای فعلی افغانستان در نیمۀ دوم قرن نوزدهم میلادی تعیین گردیدند. با وجود اینکه خط دیورند یگانه سرحدی بود که در مورد آن با امیرافغانستان بشکل دوجانبه مذاکره صورت گرفت. و برعکس سرحدات افغانستان با دگر کشور های همسایه بشمول روسیه تزاری وقت و چین در نتیجه مذاکرات دوجانبه بین بریتانیا و روسیه تعیین

گردید و برای افغانستان هیچگاه حق اشتراک در این مذاکرات داده نشد. همچنان سرحد افغانستان با کشور ایران اساساً در نتیجه میانجیگری بریتانیا بین این دو کشور تعیین گردید.

ولی با وصف آنکه در مورد دیگر سرحدات با افغانستان هیچ مذاکره صورت نگرفته بود، با آنهم دولت افغانستان مشروعیت این سرحدات را پذیرفته است، که این خود نیت غیراخلاقی و غیر سیاسی حکومت قبیله گرا، تک تبار و خشونت پرور افغانستان را تمثیل می کند.

همچنان مدعیان داعیه پشتونستان باید این قضیه را نیز با عقل سلیم و روشن اندیشی بدانند که نفوس بزرگی از ملت میلیون تاجیک این سرزمین نیز در چین؛ تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان و شرق ایران امروزی ساکن می باشند

قهرماً از تاجیکان افغانستان جدا ساخته شده اند و اگر قرار باشد که از منطق قبیله گرایان افغانستان مبنی بر فروپاشی استعمار هند برتانوی استفاده کنیم، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باید همان تأثیری را بالای سرحدات افغانستان - آسیای میانه نیز داشته باشد که سقوط هند برتانوی گویا بالای خط دیورند نمود.

آیا افغانستان حاضر است تا بر ضد مشروعیت سرحداتش با جمهوریت های آسیای میانه و ایران امروزی همچو یک موقف مشابهی را اتخاذ نماید؟ بر حق نه خیر.

خوشبختانه تا بحال هیچ کشوری از موقف برخورد سیاسی افغانستان در ارتباط به معضله خط دیورند پشتیبانی ننموده است، بشمول هندوستان و اتحاد شوروی سابق. اما در مقابل، تمام کشور های پر قدرت و سازمانهای مهم بین المللی، بشمول امریکا، انگلستان، ملل متحد و کشور های اسلامی - خط دیورند را بمثابة مرز مشترک بین المللی قانونی و دایمی افغانستان و پاکستان برسمیت می شناسند. (18)

## منابع و مأخذ :

- (1) - برگرفته شده از سایت 121k - [www.fromwest.blogfa.com/](http://www.fromwest.blogfa.com/)
- (2) رجوع شود به تاریخ افغانستان در پنج قرن اخیر، ج 1 ق. 1، ص 191.
- (3) رجوع شود به افغانستان در مسیر تاریخ، میر غلام محمد غبار، ص 431
- (4) همانجا، چاپ سوم 1366، ص 578؛ و همچنان به وبسایت خیرالدین خبیر دیده شود.
- (5) totye200475.blogfa.com/ - 479k
- (6) Martin Ewans, Afghanistan: A New History (Richmond: Curzon, 2001), pp. 81-82
- (7) Aitchison, TREATIES, ENGAGEMENTS AND SANADS, Vol. XIII, No. XXI, p. 282.
- (8) رجوع شود به: افغانستان در مسیر تاریخ، غبار، ص 579.
- (9) همانجا ص 584.
- (10) همانجا ص 611.
- (11) رجوع شود به: افغانستان در پنج قرن اخیر، محمد صدیق فرهنگ، ج 1 ق 1، ص 413، 414، و افغانستان در مسیر تاریخ، غلام محمد غبار، صص 687-692.
- (12) رجوع شود به: افغانستان در پنج قرن اخیر، صدیق فرهنگ، ج 1 ق 1، ص 450.
- (13) رجوع شود به نوشته: احمد شایق قاسم، پژوهشگر در دانشگاه ملی استرالیا و مأخذی که آن استفاده برده.
- (14) محمد صدیق فرهنگ، ج 1 ق. 2، ص 508-509.
- (15) رجوع شود به نوشته: احمد شایق قاسم، پژوهشگر در دانشگاه ملی استرالیا و مأخذی که آن استفاده برده:

- C. U. Aitchison, B.C.S., A Collection of TREATIES, ENGAGEMENTS AND SANADS, Vol. XIII, No. XXIV, p. 288.
- (13) رجوع شود به : تاریخ افغانستان در پنج قرن اخیر ، صدیق فرهنگ ، ج 1 ق. 2 ، ص 608 ، 609 ؛ وهمچنان : ویسایت خیرالدین خیبر دیده شود .  
totye200475.blogfa.com/ - 479k
- (14) رجوع شود به نوشته : محمداکرام اندیشمند (ما - و پاکستان بخش اول)  
www.paymanemeli.com/modules.php?name=News&file=article&sid=1149 - 65k
- (15) همانجا . وهمچنان : افغانستان در پنج قرن اخیر ، ج 1 ق. 2 ، ص 668 .
- (16) رجوع شود به : کاندید اکادمیسین سیستانی « مسئله پشتونستان زخم ناسور خط دیورند » ویسایت آریایی .
- (17) افغانستان در پنج قرن اخیر ، صدیق فرهنگ ، ج 2 .
- (18) رجوع شود به نوشته : احمد شایق قاسم ، پژوهشگر در دانشگاه ملی استرالیا و مآخذی که آن استفاده برده :
- Olaf Caroe, The Pathans: 550 BC-AD 1957 (London: Macmillan, 1958), pp. 465-466. Hasan Ali Shah Jafri, Indo-Afghan Relations (New Delhi: Sterling Publishers Private Limited, 1967), p. 88. Dupree, Afghanistan, pp. 485-494. Ewans, Afghanistan, pp. 538-554. Tariq Mahmood, The Durand Line: South Asia's Next Trouble Spot [Thesis], (Monterey-California: Naval Postgraduate School, 2005), pp. 23-25.